

## عادت‌واره مترجمان ادبی برجسته ایران: مطالعه اکتشافی

نازنین شادمان، استادیار مطالعات ترجمه، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه مراغه، ایران (نویسنده مسئول)

[n.shadman@maragheh.ac.ir](mailto:n.shadman@maragheh.ac.ir)

ORCID ID: 0000-0002-1293-9029

مسعود خوش‌سلیقه، استاد مطالعات ترجمه، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

[khoshsaligheh@um.ac.ir](mailto:khoshsaligheh@um.ac.ir)

ORCID ID: 0000-0002-6508-1986

چکیده: مطالعه حاضر با هدف بررسی عادت‌واره گروهی از مترجمان برجسته ادبی ایران انجام شده است. پژوهشگران به منظور نیل به این هدف، از داده‌های اولیه و ثانویه استفاده کردند. داده‌های اولیه شامل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و عمیق با 12 مترجم برجسته ادبی ایران بود. منابع ثانویه داده شامل 30 مصاحبه چاپ‌شده با 23 مترجم برجسته ادبی ایران و چهار کتاب، از جمله زندگینامه یک مترجم و خاطرات سه مترجم دیگر بود. با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، داده‌های کیفی جمع‌آوری‌شده از طریق مصاحبه‌ها کدگذاری شدند. نتایج حاکی از آن است که در مجموع می‌توان سه مفهوم کلی را برای توصیف عادت‌واره مترجمان ادبی ایرانی در نظر گرفت. این مفاهیم به سه مفهوم فرهنگی بودن خانواده (شامل زیرمجموعه‌های سطح سواد و مطالعه و انس با ادبیات فارسی)، رویکرد اعتراضی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی (شامل مفاهیم عدالت‌خواهی و افکار مارکسیستی) و همچنین سیر در گذشته (شامل نوستالژیک بودن و سنتی بودن) تقسیم‌بندی شد.

کلمات کلیدی: عادت‌واره، مترجم ادبی، ترجمه ادبی، مطالعات مترجم، داده‌بنیاد

# Pre-print Version

1. مقدمه

جامعه‌شناسی ترجمه<sup>1</sup> زیرشاخه‌ای از مطالعات ترجمه است که ترجمه را فعالیتی اجتماعی می‌داند که در آن، مطالعه ترجمه از مطالعه مترجم جدا نیست. در این زیرشاخه، برای بررسی ترجمه باید فراتر از متن رفت و به نقش و انگیزه مترجم و بافت اجتماعی تولید و پذیرش<sup>2</sup> نیز پرداخت. جامعه‌شناسی ترجمه بر کارگزاران مختلف، نهادهای تأثیرگذار بر آن‌ها و زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که ترجمه در آن رخ می‌دهد، تأکید دارد و به جای اینکه ترجمه را صرفاً انتقالی زبانی یا متنی از زبانی به زبان دیگر در بگیرد، بر ابعاد انسانی، کارگزارها و جنبه‌های مرتبط با قدرت که زیربنای فعالیت ترجمه هستند، تأکید می‌کند. (ولف<sup>3</sup> 2012). جامعه‌شناسی ترجمه بر این اصل استوار است که تصمیمات مترجمان از شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه مقصد نشأت می‌گیرد و در این میان، عوامل دیگری چون ناشر و بازار ترجمه نیز بر این تصمیمات اثر می‌گذارند (دمیترینکو<sup>4</sup> 2025). یکی از مهمترین مفاهیم در این زیرشاخه این است که ترجمه هرگز بی‌طرفانه نیست و اهمیت ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی دارد. انتخاب‌های مترجمان تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عادت‌واره مترجم، هنجارهای فرهنگ مقصد، انتظارات انتشارات و روابط قدرت بین زبان‌ها و فرهنگ‌ها قرار می‌گیرند (هرمانز<sup>5</sup> 2014).

در اواخر قرن بیستم، چرخش جامعه‌شناختی مطرح شد اما ریشه‌های این پارادایم را می‌توان به پیشرفت‌های قبلی، چه در نظریه‌های ترجمه و چه در جامعه‌شناسی، جستجو کرد. مطالعات اولیه ترجمه عمدتاً تحت سلطه رویکردهای زبانی و مبتنی بر معادل‌سازی بود و بر چگونگی انتقال معنا بین زبان‌ها تمرکز می‌کرد. با این حال، در سال‌های دهه 1970 و 1980، این رویکردها به دلیل عدم توجه به عوامل فرهنگی، تاریخی و اجتماعی مورد نقد پژوهشگران قرار گرفتند. مثلاً، مفهوم مطالعات ترجمه توصیفی<sup>6</sup> گیدنون توری<sup>7</sup>، نظریه بنیادینی بود که به نقش هنجارهای حاکم در جوامع و فرهنگ‌های متفاوت بر حوزه‌های ترجمه می‌پرداخت. توری کار خود را با عنوان

<sup>1</sup> Sociology of translation

<sup>2</sup> Production and reception

<sup>3</sup> Michaela Wolf

<sup>4</sup> Dimitrienko

<sup>5</sup> Hermans

<sup>6</sup> Descriptive Translation Studies

<sup>7</sup> Gideon Toury

جامعه‌شناسی معرفی نمی‌کند اما بعدها، جامعه‌شناسان ترجمه مفهوم هنجارهای توری را اقتباس کردند. گفتن جامعه‌شناسی مترجمان تا کنون بیشتر بر نظریه جامعه‌شناسی بازتابی بوردیو<sup>8</sup>، نظریه ساختاربندی گیدن<sup>9</sup>، نظریه نقش‌گرای گافمن و همچنین نظریه کنشگر- شبکه<sup>10</sup> استوار بوده است. با این حال، در نهایت، مدل تحلیلی بوردیو بود که پایه و اساس جامعه‌شناسی ترجمه و پژوهش‌های مترجم‌محور را پایه‌گذاری کرد (کایندل و اودوکیمو<sup>11</sup> 2024).

در سال 2009، اندرو چسترمن<sup>12</sup> در مقاله «نام و ماهیت مطالعات مترجم<sup>13</sup>»، زیرشاخه‌ای از جامعه‌شناسی ترجمه را تحت عنوان مطالعات مترجم<sup>14</sup> معرفی کرد. وی معتقد بود که این زیرشاخه از مطالعات ترجمه، تمرکز را از محصول یا فرآیند ترجمه به مترجم به‌مثابه موضوع اصلی پژوهش تغییر می‌دهد. چسترمن در این مقاله استدلال می‌کند که پژوهشگران مطالعات ترجمه اغلب با جنبه‌های متنی ترجمه سروکار دارند و توجه کافی به مترجم به‌مثابه یک عامل اجتماعی ندارند. به نظر وی، مترجمان در زمینه‌های تاریخی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی ترجمه، نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند که باید از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گیرند. مفهومی که چسترمن معرفی کرد، پایه و اساس تحقیقات بعدی را شکل داد که عادت‌های مترجمان، موقعیت اجتماعی آنها، هویت حرفه‌ای و روابط قدرت بین مترجمان و دیگر کارگزاران ترجمه را بررسی می‌کنند. مثلاً، تاکید کایندل<sup>15</sup>، کولب<sup>16</sup> و شلاگر<sup>17</sup> (2021) مشخصاً بر مترجمان ادبی، نقش آنها در جامعه، هویتشان و ویژگی‌های شخصیتی آنها است. آنها رویکردهای مترجم‌محور را در چهار بخش معرفی می‌کنند. مطالعات تاریخی-زندگی‌نامه‌ای مترجمان، استفاده از روش‌های فرآیندمحور برای دسترسی به شیوه کار مترجمان، بررسی عادت‌واره مترجمان و همچنین بررسی دیباچه ترجمه‌ها به منظور دستیابی به درونیات مترجمان ادبی از جمله مواردی است که نویسندگان با تکیه بر مفهوم مطالعات مترجم، بررسی کرده‌اند. نویسندگان این اثر نشان داده‌اند که مطالعات مترجم ادبی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های مطالعات مترجم می‌تواند با بررسی جنبه‌های فرهنگی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مترجمان به درک کل‌نگر ترجمه کمک کند. در همین راستا، واسالو<sup>18</sup> (2022) با در نظر گرفتن مفهوم مطالعات مترجم چسترمن، رویکردی فمینیستی مبتنی بر کارگزاران را در مطالعات ترجمه ترسیم می‌کند که تمرکز تحلیل را از متن ترجمه شده به مترجم متن و سایر عوامل درگیر در زنجیره انتشار تغییر می‌دهد. نویسنده با تمرکز بر دیدگاه‌های فمینیستی، به بررسی جایگاه جنسیت، قدرت و هویت مترجمان در فرآیند ترجمه می‌پردازد و استدلال می‌کند که ترجمه نه صرفاً عملی زبانی، بلکه کنشی سیاسی و جنسیتی است. این کتاب به‌ویژه بر اهمیت صدای مترجمان زن، تجربه زیسته آنها، و نقش آنها در بازنمایی متون و فرهنگ‌ها تأکید می‌کند.

با توجه به مطالعات پیشین در زمینه عادت‌واره‌های مترجمان، می‌توان گفت بررسی عمیق و نظام‌مند عادت‌واره‌های خاص مترجمان ادبی در ایران، از جمله حوزه‌هایی است که همچنان نیازمند پژوهش‌های گسترده و هدفمند است. به‌ویژه نقش و تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری این عادت‌واره‌ها، در ادبیات موجود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در راستای پر کردن این خلأ پژوهشی، هدف اصلی مطالعه حاضر شناسایی و تحلیل عادت‌واره‌های گروهی از مترجمان برجسته ادبی ایران و بررسی نحوه تأثیرگذاری زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی بر شکل‌گیری این عادت‌واره‌ها است. این پژوهش در تلاش است تا با تمرکز بر عادت‌واره‌های مترجمان برجسته ادبی ایران، به فهمی عمیق‌تر از عوامل زمینه‌ای و درونی‌ای بپردازد که رفتار ترجمه‌ای مترجمان را شکل می‌دهد. این پژوهش با رویکردی کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد، از عمق روایت‌های زیسته و تجربیات شخصی مترجمان، مفاهیمی استخراج می‌کند که در ادبیات ترجمه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به‌ویژه، بررسی تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر عادت‌واره مترجمان، می‌تواند دیدگاهی جدید نسبت به کنش ترجمه در ایران ارائه دهد. در نهایت، این مطالعه با روشن ساختن پیوند میان زیست‌جهان مترجمان و تصمیمات ترجمه‌ای آنها، به غنای حوزه مطالعات مترجم کمک کرده و زمینه را برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای بیشتر در مورد ترجمه، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی فراهم می‌سازد. بنابراین، این مطالعه را می‌توان به سه دلیل منحصر به فرد در نظر گرفت: (1) می‌توان آن را به عنوان مطالعه‌ای پیشگام در نظر گرفت که در آن استدلال استقرائی برای بررسی عادت‌واره مترجمان ادبی به کار می‌رود. (2) تأکید پژوهش حاضر بر

<sup>8</sup> Bourdieu's reflective sociology

<sup>9</sup> Giddens's structuration theory

<sup>10</sup> Actor-network

<sup>11</sup> Kaindl and Evdokimov

<sup>12</sup> Andrew Chesterman

<sup>13</sup> The Name and nature of Translator Studies

<sup>14</sup> Translator studies

<sup>15</sup> Kaindl

<sup>16</sup> Kolb

<sup>17</sup> Schlager

<sup>18</sup> Vassallo

توصیف عادت‌واره مترجمان ادبی برجسته است. افرادی که به دلیل محدود بودن دسترسی به ایشان، پژوهش‌های بسیار اندکی تاکنون انجام شده و اگر هم انجام شده باشد، صرفاً بر یک یا دو مترجم تاکید شده است. و (3) در این پژوهش، تلاش پژوهشگران بر این بوده که منابع اولیه و ثانویه داده‌ها از تعداد قابل توجهی از مترجمان برجسته جمع‌آوری شود و انتشار این مصاحبه‌ها به صورت یک مجموعه می‌تواند بخشی از تاریخ شفاهی ادبیات ایران را تشکیل دهد که در نوع خود می‌تواند پیشگام قلمداد شود.

## 2. پیشینه پژوهش

### 2.1. مطالعات مترجم

آنچه امروزه با نام مطالعات مترجم می‌شناسیم، با مقاله مهم اندرو چسترمن در سال 2009 با عنوان نام و ماهیت مطالعات مترجم به حوزه مطالعات ترجمه معرفی شد. چسترمن در این مقاله پیشنهاد کرد حوزه پژوهشی جدیدی با نام مطالعات مترجم در زیر مجموعه حوزه مطالعات ترجمه تاسیس شود. وی در ابتدای مقاله‌اش توضیح می‌دهد که «برخی از پژوهش‌هایی که طی سال‌های اخیر در حوزه مطالعات ترجمه انجام گرفته، به روش‌های گوناگون به جای توجه به متن ترجمه بر مترجم متن تاکید کرده‌اند. شاید بتوان این پژوهش‌ها را زیرمجموعه حوزه‌ای به نام «مطالعات مترجم» دسته‌بندی کرد» (2009، 13). از نظر چسترمن، نقشه کلاسیکی که جیمز اس. هولمز<sup>19</sup> برای مطالعات ترجمه ترسیم کرده، این قسمت از پژوهش‌های ترجمه‌پژوهان را نادیده گرفته است. نخستین تعریفی که چسترمن از حوزه مطالعات مترجم ارائه می‌دهد این است که شاخه مطالعات مترجم شاخه‌ایست که به مطالعه در مورد مترجمان کتبی و شفاهی می‌پردازد. (2009، 12). البته، بولانوس مدینا، به نقل از کورتنی و فیلان<sup>20</sup>، (2019) به درستی اشاره می‌کنند که تاکید چسترمن فقط بر جنبه‌های جامعه‌شناختی مترجمان متمرکز است و زمینه‌های فرهنگی و روان‌شناختی مترجمان را آنچنان بررسی نمی‌کند. در عین حال، چسترمن معتقد است که تغییر تمرکز از ترجمه به مترجم تحت تأثیر رویکردهای جامعه‌شناختی به ترجمه در دو دهه اخیر میلادی شکل گرفته است. در مطالعات مترجم، مترجم بر متن اولویت دارد. «مترجم» در کانون توجه و «متن» در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. این رویکرد باعث می‌شود تغییرات عمده‌ای در سؤالات پژوهش‌های مطالعات ترجمه پدید آید (چسترمن 2021، 242). وی به درستی مباحث فرهنگی، شناختی و جامعه‌شناسی ترجمه را بخشی جدایی‌ناپذیر از مطالعات مترجم می‌داند. پس از بخش‌های نخستین مقاله اولیه، چسترمن مدلی نوین برای مطالعات مترجم پیشنهاد می‌دهد و آن را مدل کارگزار<sup>21</sup> می‌نامد. برای تبیین این مدل، چسترمن در آغاز، مطالعات ترجمه را به چهار شاخه اصلی متنی، شناختی، فرهنگی و جامعه‌شناختی تقسیم می‌کند. در ادامه حوزه پژوهش‌های متنی را از پژوهش‌های مطالعات مترجم جدا می‌کند اما سه حوزه دیگر یعنی حوزه‌های شناختی، فرهنگی و جامعه‌شناختی را در زیرمجموعه موضوعات مورد پژوهش در مطالعات مترجم طبقه‌بندی می‌کند و نهایتاً موضوعات مورد مطالعه در هر کدام از این زیرمجموعه‌ها را معرفی می‌کند (چسترمن 2009؛ به نقل از شادمان، خوش‌سلیقه و استکا 2022). از دیدگاه چسترمن، جامعه‌شناسی مترجمان شامل موضوعاتی مثل جایگاه انواع مختلف مترجمان در فرهنگ‌های مختلف، نرخ دستمزد، شرایط کاری، الگوها و عادت‌واره‌های مترجمان، سازمان‌های وابسته به حرفه مترجمی، سیستم‌های اعتبارسنجی مترجمان، شبکه‌های کاری آنها، حق چاپ، حق مترجم و غیره می‌شود (چسترمن 2021، 243).

تغییر دیدگاه از متن به مترجم در طی دهه گذشته در ایران نیز در برخی از پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، گرچه در برخی از این پژوهش‌ها صراحتاً به مفهوم پیشنهادی چسترمن اشاره نشده است. حدادیان مقدم (2014) بررسی عمیقی از تاریخ و چالش‌های ترجمه ادبی در ایران معاصر ارائه می‌دهد. در این اثر، تحلیل مفصلی از نقش ترجمه در شکل‌گیری ادبیات، فرهنگ و تفکر ایرانیان، به‌ویژه در قرن بیستم که ایران دستخوش تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی شد، ارائه می‌شود. نویسنده همچنین به چالش‌هایی که مترجمان ادبی در ایران با آن روبرو هستند، از جمله فقدان نظام ترجمه استاندارد، محدودیت‌های مالی و فشارهای جامعه می‌پردازد. نویسنده به نقش ترجمه ادبی در پر کردن شکاف بین ادبیات جهانی و خوانندگان ایرانی اشاره می‌کند و در عین حال تأثیر مترجمان ایرانی بر استقبال بین‌المللی از ادبیات ایران را بررسی می‌کند.

<sup>19</sup> James S. Holmes

<sup>20</sup> Courtney and Phelan

<sup>21</sup> Agent model

اشرفی (2024) مطالعات مترجم را وارد حیطه گسترده‌تری می‌کند و با تأکید بر نقش محوری انتشارات تحت رهبری زنان، به وضعیت نشر ادبی در ایران از دریچه جامعه‌شناسی رابطه‌ای<sup>22</sup> می‌پردازد و تأثیر ناشران زن بر چشم‌انداز ادبی در چالش‌های سیاسی-اجتماعی را بررسی می‌کند. این مطالعه دیدگاه‌های کلان جامعه‌شناختی را با تعاملات در سطح خرد پیوند می‌دهد و قدرت دگرگون‌کننده زنان در قلمرو ترجمه و نشر را روشن می‌کند. نهایتاً این پژوهش بر تأثیر متقابل بین جنسیت، ترجمه و ساختارهای اجتماعی در ایران معاصر تأکید می‌کند. جمالی‌منش، امیریان و نژاد انصاری (2024) با استفاده از چارچوب جامعه‌شناختی بوردیو از طریق پرسشنامه و تحقیقات کیفی، از جمله مصاحبه عمیق با چهره‌های تأثیرگذار در حوزه ترجمه ادبی ایران، مانند مترجمان ادبی، ناشران، و پژوهشگران دانشگاهی به بررسی وضعیت سرمایه نمادین مترجمان زن در ایران پس از انقلاب اسلامی می‌پردازند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که سرمایه نمادین می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای بسیاری از زنان ایرانی باشد که کارشان ترجمه ادبی است، چرا که این زنان با تکیه بر ترجمه می‌توانند فعالیت‌های حرفه‌ای خود را به جامعه نشان دهند. فردوسی و عامری (2024) به بررسی تأثیر عوامل حرفه‌ای و جمعیت‌شناختی مترجمان بر معیارهای انتخاب کتاب برای ترجمه در ایران معاصر می‌پردازند. نتایج این پژوهش که با تحلیل پاسخ‌های ۲۴۸ مترجم حرفه‌ای به یک پرسشنامه به دست آمده، نشان می‌دهد که سابقه کاری، مدرک تحصیلی و رشته تحصیلی مترجمان نقش معناداری در معیارهای انتخاب کتاب ایفا می‌کنند.

## 2.2. عادت‌واره

اگر جامعه‌شناسی قرن بیستم را تقابل میان دو نحله فکری عینیت‌گرایی و ذهنیت‌گرایی در نظر بگیریم، می‌توان گفت ایده‌های پیر بوردیو<sup>23</sup> راهی نو برای حل تقابل میان این دو فرقه است. بوردیو با فرا رفتن از دوگانه‌های موجود در آن دوران، مجموعه‌ای از ابزار فکری را ایجاد کرد که به جوامع این امکان را می‌داد که پدیده‌هایی مانند نابرابری آموزشی، بازتولید فرهنگی و موقعیت و طبقه اجتماعی را بررسی کند (کوستا و مورفی<sup>24</sup> 2015، 14). وی در تلاش برای حل تقابل میان دوگانه تسلط یا عدم تسلط قوانین ثابت بر رفتار بشری، سه مفهوم میدان<sup>25</sup>، سرمایه<sup>26</sup> و عادت‌واره<sup>27</sup> را معرفی کرد و با شناساندن این مفاهیم در تلاش بود تا موارد ضعف ساختارگرایی را که در آن دوران از مقبولیت عام برخوردار بود، شناسایی کند (بوردیو، 1993). بعدها وی مفهوم ساختارگرایی تکوینی را جایگزین آن کرد (سوزن و ترنر<sup>28</sup> 2011، 248). عادت‌واره سوپین مفهومی است که بوردیو در ساختارگرایی تکوینی<sup>29</sup> معرفی می‌کند. تأکید بوردیو در این مفهوم سوم بر کاستی‌های ساختارگرایی در تبیین کنش عاملان است. از نظر وی در ساختارگرایی رفتارهای عاملان فقط در چارچوب قوانین سفت، خشک و صرفاً منطقی تعریف می‌شود. حال آنکه بوردیو با ارائه مفهوم عادت‌واره در تلاش است نشان دهد که خاستگاه کنش عاملین اجتماعی را باید فراتر از قوانین و هنجارهای موجود و راهکارهای منطقی در نظر گرفت. برای مثال، در حوزه آموزش عادت‌واره می‌تواند در گروه‌های متفاوت (دانش‌آموزان، خانواده‌ها و نهادها) و حوزه‌های متفاوت (سطوح آموزشی، انواع یادگیری، موضوعات و برنامه‌ها) بصورت پیوسته یا ناپیوسته در نظر گرفته شود (تان و لیو<sup>30</sup>، 2022). مفهوم عادت‌واره بخشی از جهان‌بینی بوردیو برای توصیف اعمال اجتماعی است که به کلیت عادات، مهارت‌ها و تمایلات عمیق عاملین اجتماعی اشاره می‌کند. افراد با تجربیاتی که در فضاهای اجتماعی به دست می‌آورند، مجموعه این عادات، مهارت‌ها و تمایلات را شکل می‌دهند و از این طریق بخشی از افکارشان ساخته و اعمالشان پی‌ریزی می‌شود. در واقع، عادت‌واره همان ساختارهای اجتماعی مشترک میان اعضای یک جامعه است که رفتار اجتماعی آنها را تبیین می‌کند. تجربیات افراد باعث می‌شود اصول و قوانینی را در فضاهای اجتماعی به دست آورند تا از همین اصول برای معنا بخشیدن به اعمالشان در اجتماع و همچنین تصمیم‌گیری در مورد نحوه رفتار در جامعه استفاده کنند. بوردیو از استعاره نت‌های موسیقی برای توضیح مفهوم عادت‌واره استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه افراد، ساختارها و هنجارهای اجتماعی را

<sup>22</sup> Relational sociology

<sup>23</sup> Pierre Bourdieu

<sup>24</sup> Costa and Murphy

<sup>25</sup> Field

<sup>26</sup> Capital

<sup>27</sup> Habitus

<sup>28</sup> Susen & Turner

<sup>29</sup> Generative Structuralism

<sup>30</sup> Tan and Liu

درونی‌سازی می‌کنند. درست همانطور که نوازندگان به طور ناخودآگاه می‌دانند که کدام نت‌ها را در کدام کلید خاص بنوازند، عادت‌واره نیز موجب می‌شود افراد به طور غریزی موقعیت‌های اجتماعی را بر اساس منش‌های آموخته شده و سرمایه فرهنگی خود هدایت کنند و در نتیجه آنچه را که در جامعه‌ای خاص انتظار می‌رود، بازتولید کنند و احتمالات را به واقعیت تبدیل کنند (بورديو 1996، 211). از نظر بورديو، عادت‌واره همان مواردی را شامل می‌شود که در میان اعضای یک گروه مشابه است، زیرا نتیجه انطباق افراد با ساختارها و هنجارهای اطراف آنهاست و افرادی آنها را بازتولید می‌کنند که گروه‌های اجتماعی مشترکی دارند (بورديو 1990، 16). نهایتاً این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که عادت‌واره، در نظریه جامعه‌شناسی بورديو، نظامی از «منش‌های بادوام و قابل انتقال، و همین‌طور ساختارهایی توأمان برساخته و سازنده است» (بورديو 1990، 34). از نظر بورديو، مجموعه این منش‌ها و ساختارها باعث می‌شوند افراد عادت‌هایی شکل دهند که حاصل اطاعت صرف از قوانین نیستند (بورديو 2005، 43). عادت‌واره ممکن است مدت‌ها، حتی در طول عمر یک فرد ادامه داشته باشد و تمایلات عمیقی را در افراد بوجود بیاورد و باعث شود افراد در موقعیت‌های خاص، کنش‌های مشخصی داشته باشند. از نظر بورديو، عادت‌واره در نتیجه تجربیات شخصی افراد بدست می‌آید و از طریق اجتماع به افراد تلقین می‌شود. در مرحله بعد، عادت‌واره به گونه‌ای ماهیتی ثانویه برای افراد بوجود می‌آورد و نهایتاً رفتار عاملین را به صورت ناخودآگاه تنظیم می‌کند. بورديو معتقد است که مفهوم عادت برای درک واقعی و کافی کنش انسانی بسیار مهم و ضروری است و بنابراین پاسخی منطقی به فعالیت‌های واقعی انسان است (بورديو، 1996). بورديو برای تحلیل جامعه‌شناختی آثار ادبی سه مرحله قائل است که عبارتند از: تحلیل جایگاه میدان ادبی در رابطه با میدان قدرت و بررسی سیر تکامل آن طی زمان، تحلیل ساختار داخلی میدان ادبی و نهایتاً تحلیل روند تکوین عادت‌واره عاملانی که جایگاه‌هایی در میدان ادبی به خود اختصاص داده‌اند. (فر 2011، 261)

### 2.3. ترجمه و عادت‌واره

مقاله معروف سیمونی (1998) به جایگاه محوری عادت‌واره مترجم در تمامی اعمال مربوط به ترجمه می‌پردازد. این مقاله طی سال‌ها توانسته نظر بسیاری از محققین را به بررسی مفهوم عادت‌واره مترجم جلب کند. از ابتدای انتشار این مقاله، مطالعات تجربی مختلفی با استفاده از داده‌های گوناگون در مطالعات ترجمه انجام گرفته است و برخی از این مطالعات، تأثیر ماندگاری در مطالعات ترجمه داشته‌اند (مثلاً اینگیری 2003<sup>32</sup>؛ گونیک 2005<sup>33</sup>؛ سلا شفی 2005<sup>34</sup>؛ میلارتس 2008<sup>35</sup>، وینووا و شلسینگر 2013<sup>36</sup>؛ اریس 2019<sup>37</sup>؛ مونزو نبوت 2021<sup>38</sup>)

سیمونی با الهام از عادت‌واره بورديو، سعی داشت مفهوم عادت‌واره مترجم را پی‌ریزی کند. به نظر وی، اساساً عادت‌واره به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود. شاخه اول همان عادت‌واره اجتماعی است که آن را متعلق به تمامی عاملین اجتماعی می‌داند و البته اذعان می‌کند که مترجمان هم یکی از همین عاملین اجتماعی هستند. شاخه دوم را عادت‌واره حرفه‌ای تخصصی معرفی می‌کند که محدود به یک حوزه تخصصی خاص است (سیمونی 1998، 18). سیمونی فقط به اشاره‌ای گذرا به ارتباط میان این دو شاخه اصلی عادت‌واره و چگونگی مرتبط بودن این دو به مترجم‌ها بسنده می‌کند. از نظر وی، مترجم شدن به معنای تغییر عادات اجتماعی به یک عادت خاص است» (سیمونی 1998، 19). با این حال، سیمونی ویژگی‌های متمایز یا روابط بین این دو نوع عادت‌واره را به طور جداگانه و عمیق بررسی نکرده است. میلارتس (2008) ایده دو نوع عادت‌واره مترجم را از سیمونی الهام گرفت و آنها را به ترتیب عادت‌واره اولیه و حرفه‌ای نام‌گذاری کرد. از نظر وی، عادت‌واره اولیه اساسی‌ترین بخش عادت مترجم را تشکیل می‌دهد و شامل ساختارهای ذهنی و جسمی فرد است که در سال‌های اولیه اجتماعی‌شدن در قالب ساختارهای خانواده، طبقه اجتماعی و آموزش شکل می‌گیرد و برای تشخیص رفتار مناسب در موقعیت‌های واقعی اهمیت ویژه‌ای دارد. او ابتدا کار را با مفهوم عادت‌واره اولیه شروع کرد و تمرکز اصلی‌اش

<sup>31</sup> Frere

<sup>32</sup> Inghilleri

<sup>33</sup> Gouanvic

<sup>34</sup> Sela-Sheffy

<sup>35</sup> Meylaerts

<sup>36</sup> Voinova & Shlesinger

<sup>37</sup> Eris

<sup>38</sup> Monzó-Nebot

بر همین موضوع بود. در تحقیقات وی، تحلیل دقیقی از عادت‌واره حرفه‌ای مترجمان داده نشده است. با این حال، وی مطالعه‌ای موردی درباره مترجمان ادبی در بلژیک انجام داد؛ با اینکه در این مطالعه صراحتاً به هیچ‌کدام از عادت‌واره‌هایی که تعریف کرده بود، اشاره مشخصی نکرده، هر دو عادت‌واره اولیه و عادت‌واره حرفه‌ای را مد نظر قرار داده است. او در نتیجه‌گیری مطالعه‌اش اشاره کرد که «قابلیت انتقال تمایلات به دست آمده از طریق تجربیات معمول زندگی، و همین طور تجربیات مختص فرد در مقام مترجم می‌تواند نقش اساسی در تعریف عادت‌واره مترجم داشته باشد» (میلارتس 2008، 15). پژوهشگران مطالعات ترجمه با در نظر گرفتن مفهوم عادت‌واره بورديو احتمالاتی را برای درک عادت‌های خاص مترجمان بررسی کرده‌اند. تمرکز پژوهشگران بر مسیرهای اجتماعی و فردی خاص مترجمان بوده تا بتوانند به درک و تفسیر درستی از کارها و فعالیت‌های مترجمان و به طور کلی رفتارهای ترجمه‌ای برسند. یکی از معدود پژوهش‌هایی که در ایران با تکیه بر مفهوم عادت‌واره، سعی شده فعالیت‌های مترجمان مطرح بررسی شود، پژوهش معاذاللهی و تجویدی (1397) است که به عادت‌واره چهار مترجم ادبی در دوره تاریخی 1320 تا 1345 پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که ایشان با ترجمه داستان کوتاه و رمان توانستند در دهه‌های 1320 و 1330 ساختار تولیدات ادبی ایران را متحول کنند و رنالیسم روسی و آگزیستانسیالیسم را در آثار نویسندگان ایرانی رواج دهند. خزاعی‌فر و فتح‌اللهی (1389) با دیدی متفاوت، به بررسی تأثیر ترجمه رمان‌های مدرن بر هنجار سبکی طول جمله در رمان‌های فارسی می‌پردازند. با تحلیل سه رمان فارسی و سه رمان انگلیسی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین طول جملات در رمان‌های انگلیسی بیشتر از فارسی است و مترجمان ایرانی تمایل دارند جملات را به صورت کامل ترجمه کنند. همچنین، تأثیر ترجمه بر هنجار طول جمله در آثار تالیفی کمتر از آثار ترجمه‌ای بوده و عوامل مختلفی از جمله عادت‌واره مترجمان نیز در این تفاوت‌ها مؤثرند. در پژوهشی دیگر، فخارزاده و دباغ‌زاده دزفولی (1400) به بررسی سبک ترجمه‌ای صالح حسینی با تکیه بر مفهوم عادت‌واره بورديو پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که عادت‌های ترجمه‌ای این مترجم تحت تأثیر میدان‌ها و تجربیات زندگی‌اش شکل گرفته‌اند. با تحلیل دو کتاب و ترجمه‌های مربوطه ایشان، نویسندگان به این نتیجه رسیدند که ایشان به واژگان عربی و ادبی کهن، ساخت‌واژه‌های متنوع و برخی آرایه‌های ادبی گرایش دارند. در این پژوهش، یافته‌های یدست آمده از تحلیل عادت‌واره مترجم به شناسایی سبک خاص کهن‌گرایانه وی کمک کرده است.

## 2.4. ترجمه ادبی

در مطالعات ترجمه، موضوع ترجمه ادبی از زوایای مختلف و با توجه به دیدگاه‌های گوناگون بررسی شده است. در مطالعه حاضر، داده‌ها به مترجمانی محدود شده است که آثاری را از زبان خارجی به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند. کار ترجمه به عوامل متعددی بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به خود مترجم، اثری که ترجمه می‌شود و شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشوری که ترجمه در آن صورت می‌گیرد اشاره کرد. در ترجمه ادبی، اینکه چه کسی شروع می‌کند و آیا پروژه موفق می‌شود، تحت تأثیر سرمایه و منابعی است که افراد اصلی دخیل در پروژه در اختیار دارند. در ترجمه‌ای ادبی ممکن است از سرمایه یا اعتبار نمادین نویسنده متن اصلی الهام گرفته شود (بورديو 1996)، اما نیاز به سرمایه اقتصادی (حمایت مالی) نهادی دیگر داشته باشد. پس از طی این مراحل، سرمایه افراد اصلی دخیل در پروژه نیز افزایش پیدا می‌کند. به عنوان مثال، هنگامی که آثار نویسنده‌ای ترجمه می‌شوند، اعتبارش در کشور خودش بیشتر می‌شود (کازانووا<sup>39</sup> و براونلی<sup>40</sup> 2021). در برخی مواقع در ترجمه ادبی، متون قدیمی‌تر را دوباره ترجمه می‌کنند - معمولاً به این دلیل که ترجمه قبلی از نظر زبانی یا سبکی قدیمی شده است یا هنجارهای فرهنگ مقصد تغییر کرده است (کادرا<sup>41</sup> و والش<sup>42</sup> 2022).

با این حال، در طی تاریخ و میان انواع مختلف ترجمه، ترجمه ادبی و ترجمه کتاب مقدس از مهم‌ترین انواع ترجمه به شمار می‌رفته‌اند. بحث‌های نظری در مورد ترجمه هم از این قاعده مستثنی نبوده، احتمالاً به این دلیل که در اکثر مواقع مترجم‌های ادبی بیشترین علاقه را به بحث در مورد نظریه‌های ترجمه نشان داده‌اند. همانطور که ویسبورت<sup>43</sup> و آیستینسون<sup>44</sup> (2006)،

<sup>39</sup> Casanova

<sup>40</sup> Brownlie

<sup>41</sup> Cadera

<sup>42</sup> Walsh

<sup>43</sup> Weissbort

<sup>44</sup> Eysteinson

76) اشاره می‌کنند، دوگانه‌هایی مانند ترجمه وفادار یا آزاد، ترجمه تحت‌اللفظی یا ارتباطی و ترجمه غرابت‌زدا<sup>45</sup> یا آشنان‌زدا<sup>46</sup> که مکرراً در مطالعات ترجمه تکرار می‌شوند، بحث‌هایی هستند که به طور ویژه با ترجمه ادبیات مرتبط هستند، اما مسلماً کمتر به ترجمه متون فنی یا علمی ربط پیدا می‌کنند. تیموژکو<sup>47</sup> (2014، 21) نیز بر اهمیت ترجمه ادبی در مطالعات ترجمه تاکید می‌کند. از دیدگاه تیموژکو، مجموعه متون عظیم، چند زبانه و هزاران ساله ترجمه ادبی با زبان و سبک متنوع، موارد ایده‌آلی هستند که می‌توان نظریه‌های ترجمه را بر مبنای آنها بنا نهاد. تیموژکو همچنین معتقد است با ترجمه ادبی است که می‌توانیم نشان دهیم عمل ترجمه اساساً جنبه فرهنگی دارد و نیازمند تفسیر شخص مترجم است تا اینکه کاری صرفاً مکانیکی باشد.

اکثر اطلاعات موجود درباره فرآیندهای ترجمه ادبی، از سخنان خود مترجمان در مورد فعالیت‌هایشان به دست آمده است. برای مثال، می‌توان به دیباچه کتاب‌های ترجمه‌شده اشاره کرد که البته اینها معمولاً مختص همان متن مورد نظر مترجم و البته اغلب فاقد پشتوانه نظری هستند و در آنها از روش‌های جمع‌آوری داده نظام‌مند استفاده نمی‌شود. با این حال، آنگونه که فلین<sup>48</sup> (2004) اشاره می‌کند، همین دیباچه‌هایی که مترجمان ادبی می‌نویسند به همراه مصاحبه‌هایی که با مترجمان شده می‌توانند اطلاعات ارزشمندی را در مورد راهکارهای مترجمان ادبی و روابط کاری آنها با نویسندگان متن اصلی ارائه دهند.

### 3. روش پژوهش

#### 3.1. شرکت‌کنندگان

در این مطالعه به منظور دستیابی به بینشی جدید از عادت‌واره مترجمان ادبی برجسته ایرانی از داده‌های کیفی اولیه و ثانویه استفاده شد. طرح تحقیق پژوهش از نوع پدیدارشناختی<sup>49</sup> است چرا که تمرکز روی گروه منتخب مترجمان، تجربیات، مشاهدات و احساسات آنها است (دورنیه<sup>50</sup> 2007). داده‌های اولیه از طریق مصاحبه‌های فرد به فرد، نیمه‌ساختاریافته<sup>51</sup> و عمیق جمع‌آوری شد. طبق گفته‌های فیلان<sup>52</sup> (2005) در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، موضوع اصلی تحقیقات از قبل مشخص است. با این حال، نحوه چینش سئوالات و شیوه پرسیدن هر کدام از سئوالات در مصاحبه‌ها از ساختاری انعطاف‌پذیر پیروی می‌کند که در آن روند جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع داده ادامه می‌یابد. داده‌های اصلی تحقیق حاضر از مصاحبه با 12 مترجم برجسته ادبی در دوره زمانی تابستان 1396 تا پائیز 1397 جمع‌آوری شد (جدول 1). در مورد داده‌های ثانویه، محققان 30 مصاحبه گسترده با 23 مترجم برجسته ادبی ایرانی (جدول 2) و چهار کتاب از جمله زندگینامه یک مترجم و خاطرات سه نفر دیگر (جدول 3) را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. مصاحبه‌های استفاده شده در دوره 26 سال، از سال 1371 تا 1396 در فصلنامه مترجم (فصلنامه علمی و فرهنگی در حوزه نظریه و عمل ترجمه) و همچنین دوماهنامه بخارا (مجله فرهنگی هنری مربوط به ایران‌شناسی و ادبیات و هنر ایران و جهان) به همراه چند نشریه دیگر منتشر شده‌اند (جدول 2). برای انتخاب این مترجمان برجسته و جامعه پژوهش، معیارهای زیر در نظر گرفته شد: 1) بررسی ترجمه‌های منتشر شده این مترجمان در نشریات ایرانی تخصصی ادبیات و ترجمه از جمله بخارا و مترجم؛ 2) جایگاه ناشرانی که این ترجمه‌ها را منتشر کرده‌اند و شناخته شده بودن آنها در حوزه نشر؛ 3) اجماع صاحب‌نظران و جامعه مترجمان در مورد کیفیت ترجمه‌های چاپ شده؛ 4) میزان تجدید چاپ این ترجمه‌ها و استقبال خوانندگان از ترجمه‌های چاپ شده؛ 5) رعایت تنوع نسلی در مترجمان انتخاب شده به گونه‌ای که بازه حدود 70 سال از مترجمان ادبی شناخته شده ایران را شامل شده است.

جدول 1. اطلاعات دموگرافیک مترجم‌های مصاحبه شده (داده‌های اولیه)

<sup>45</sup> Domestication

<sup>46</sup> Foreignization

<sup>47</sup> Tymoczko

<sup>48</sup> Flynn

<sup>49</sup> Phenomenology

<sup>50</sup> Dornyei

<sup>51</sup> Semi-structured

<sup>52</sup> Fylan

| مترجم          | جنسیت | سال تولد | تعداد ترجمه‌های ادبی چاپ شده |
|----------------|-------|----------|------------------------------|
| مترجم شماره 1  | زن    | 1317     | 25                           |
| مترجم شماره 2  | مرد   | 1318     | 19                           |
| مترجم شماره 3  | زن    | 1323     | 24                           |
| مترجم شماره 4  | مرد   | 1324     | 80                           |
| مترجم شماره 5  | مرد   | 1325     | 80                           |
| مترجم شماره 6  | مرد   | 1332     | 24                           |
| مترجم شماره 7  | مرد   | 1339     | 75                           |
| مترجم شماره 8  | مرد   | 1347     | 21                           |
| مترجم شماره 9  | مرد   | 1353     | 41                           |
| مترجم شماره 10 | مرد   | 1354     | 40                           |
| مترجم شماره 11 | مرد   | 1356     | 33                           |
| مترجم شماره 12 | زن    | 1356     | 27                           |

جدول 2. اطلاعات دموگرافیک مترجم‌های مصاحبه شده (داده‌های ثانویه)

| مترجم          | جنسیت | تاریخ تولد | تاریخ وفات | تعداد ترجمه‌های ادبی چاپ شده | زمان و محل مصاحبه‌ها                        |
|----------------|-------|------------|------------|------------------------------|---|
| مترجم شماره 1  | مرد   | 1292       | 1377       | 63                           | مترجم / 1372                                |
| مترجم شماره 2  | مرد   | 1305       | 1388       | 35                           | مترجم / 1378                                |
| مترجم شماره 3  | مرد   | 1308       | 1399       | 36                           | بخارا / 1393                                |
| مترجم شماره 4  | مرد   | 1309       | 1384       | 25                           | مترجم / 1373<br>بخارا / 1380                |
| مترجم شماره 5  | مرد   | 1312       | --         | 46                           | مترجم / 1381                                |
| مترجم شماره 6  | مرد   | 1313       |            | 22                           | مترجم / 1375                                |
| مترجم شماره 7  | مرد   | 1314       |            | 44                           | مترجم / 1373                                |
| مترجم شماره 8  | زن    | 1317       |            | 25                           | مترجم / 1396                                |
| مترجم شماره 9  | مرد   | 1318       |            | 19                           | مترجم / 1381                                |
| مترجم شماره 10 | زن    | 1321       |            | 16                           | مترجم / 1379                                |
| مترجم شماره 11 | مرد   | 1321       | 1374       | 63                           | مترجم / 1371                                |
| مترجم شماره 12 | زن    | 1323       |            | 24                           | مترجم / 1386<br>مترجم / 1396                |
| مترجم شماره 13 | مرد   | 1323       | 1388       | 21                           | مترجم / 1385                                |
| مترجم شماره 14 | مرد   | 1324       |            | 28                           | مترجم / 1384<br>مترجم / 1371                |
| مترجم شماره 15 | مرد   | 1324       |            | 80                           | مترجم / 1397<br>رادیو فردا / 1396           |
| مترجم شماره 16 | مرد   | 1325       |            | 80                           | مترجم / 1371<br>مترجم / 1395<br>آزما / 1396 |
| مترجم شماره 17 | مرد   | 1325       |            | 17                           | مترجم / 1370<br>مترجم / 1378                |
| مترجم شماره 18 | مرد   | 1334       |            | 120                          | مترجم / 1376                                |



|                |     |      |      |    |             |
|----------------|-----|------|------|----|-------------|
| مترجم شماره 19 | مرد | 1335 |      | 20 | 1394/ مترجم |
| مترجم شماره 20 | مرد | 1335 | 1396 | 23 | 1388/ مترجم |
| مترجم شماره 21 | مرد | 1347 |      | 21 | 1393/ مترجم |
| مترجم شماره 22 | مرد | 1353 |      | 32 | 1386/ مترجم |
| مترجم شماره 23 | مرد | 1354 |      | 28 | 1395/ مترجم |

جدول 3. اطلاعات کتاب‌های مورد استفاده (داده‌های ثانویه)

| عنوان کتاب                     | گفتگو با/ شرح حال | نشر     | سال  | تعداد صفحه |
|--------------------------------|-------------------|---------|------|------------|
| تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران | مترجم شماره 12    | ثالث    | 1392 | 128        |
| تاریخ شفاهی ادبیات معاصر ایران | مترجم شماره 16    | ثالث    | 1395 | 248        |
| گفت و گو با نجف دریابندری      | نجف دریابندری     | مروارید | 1388 | 352        |
| گفت و گو با مترجمان            | گروه مترجمان      | آگاه    | 1388 | 160        |
| خاطرات یک مترجم                | محمد قاضی         | کارنامه | 1371 | 430        |

### 3.2. ابزار پژوهش

در قسمت اول سئوالات مصاحبه‌ها، تمرکز پژوهشگران بر بررسی پیش‌زمینه و محیط خانوادگی این مترجمان منعطف بود. سعی بر این بود که طیف اجتماعی خانواده این مترجمان، سطح علاقه به مطالعه و به‌طور ویژه علاقه به ادبیات در خانواده، وجود عامل متفوق در محیط مدرسه و خانواده برای سوق دادن این مترجمان به ادبیات بررسی شود. تاثیر انگیزه‌های اولیه علاقه به ادبیات در ایجاد استمرار و کیفیت کار مترجمان، میزان مطالعه مجلات مختلف ادبی و فرهنگی و نحوه پیگیری جریان معاصر ادبیات جهان از سوی مترجمان، موارد دیگری بودند که پس از سئوالات اولیه از مترجمان پرسیده شد. در بخش بعدی به سراغ تجربه مترجمان از اولین ترجمه چاپ شده‌شان رفتیم. آنچه برای پژوهشگران اهمیت داشت، این بود که آیا خود مترجمان کتاب را انتخاب کرده‌اند یا خیر و اگر خودشان انتخاب کرده‌اند، چه معیارهایی برای انتخاب کتاب داشته‌اند. بخش مهم دیگری از پرسشنامه به محافل و فرقه‌هایی که این مترجمان چه در سال‌های جوانی و چه بعدتر در آنها شرکت می‌کردند، اختصاص داشت. برای پژوهشگران مهم بود بدانند هر کدام از مترجمان خودشان را وابسته به چه گرایش‌های فکری می‌دانند، از مدافعان کدام مکاتب فکری هستند و با کدام فرقه‌ها احتمالاً ناسازگار هستند. پس از بررسی گرایش‌ها، نوبت به عکس‌العمل مترجمان در مواجهه با موقعیت‌های مختلف می‌رسید (برای مثال، در مواجهه با کودکان کار و افراد معتاد به مواد مخدر). در همین راستا، از مترجمان خواستیم بهترین و بدترین اتفاق زندگی خود را بازگو کنند و صحنه‌ای از کتاب مورد علاقه‌شان که بسیار تحت تاثیر قرارشان داده را توصیف کنند. نهایتاً، در قسمت پایانی مصاحبه از مترجمان خواستیم از علاقتشان صحبت کنند. شاید بتوان گفت این قسمت از مصاحبه، کمترین ساختار از پیش تعیین شده را داشت و پژوهشگر با توجه به پاسخ‌های مترجمان، سئوالات بعدی را مطرح می‌کرد. تمامی مصاحبه‌ها با سئولاتی از قبیل اینکه برای رهایی از رنج‌های زندگی چه راه‌هایی دارند، آنچه باعث می‌شود دنیا را زیباتر ببینند چیست و در یک کلام حال خوبشان به چه‌گره خورده، به اتمام می‌رسید.

### 3.3. تحلیل داده‌ها

به منظور تایید اعتبار تحقیق حاضر، معیارهای اعتبارسنجی لینکلن و گوبا<sup>53</sup> (1985) در تحقیقات کیفی در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از جمله قابلیت اعتبار<sup>54</sup>، قابلیت انتقال<sup>55</sup>، قابلیت اطمینان<sup>56</sup> و قابلیت تأیید<sup>57</sup> اعمال شد. قابلیت اعتبار، درجه حقیقی بودن یافته‌های مطالعه و واقعیت اجتماعی شرکت‌کنندگان پژوهش را نشان می‌دهد. بدین منظور، از روش بازبینی همکار<sup>58</sup> استفاده شد و برخی از پاسخ‌های مترجمان به سئوالات با دو پژوهشگر مطالعات ترجمه در میان گذاشته شد و از این دو پژوهشگر خواسته شد تا برخی از داده‌های بدست آمده را کدگذاری کنند. این پژوهشگران همچنین در مورد نحوه انجام تجزیه و تحلیل بازخورد دادند. منظور از قابلیت انتقال، قابلیت تعمیم یافته‌های مطالعه به موقعیت‌های دیگر است. در پژوهش حاضر، به منظور اعمال قابلیت انتقال، پژوهشگران از تکنیک توصیف پرمایه<sup>59</sup> استفاده کردند. در این تکنیک تلاش می‌شود تا توصیف‌های پرمایه و عمیق از موقعیت‌ها، شرایط و تجربه‌های شرکت‌کنندگان ارائه شود. در این پژوهش، با توجه به نیمه‌ساختار بودن مصاحبه‌ها سعی بر این بود که شرح با جزئیات و دقیقی از زمینه خانوادگی و فرهنگی مترجمان، گرایش‌های آنها، سبک زندگی و ترجیحات آنها گرفته شود و جملات کلیدی و نمونه‌های روایت‌محور از زبان خود مترجمان در پژوهش ذکر شود. برای بخش قابلیت اطمینان، یک همکار با تخصص مطالعات ترجمه، مستندات اظهار نظرهای مترجمان و همچنین شیوه کدگذاری داده‌ها را بررسی کرد. از ایشان خواسته شد تا مسیر کدگذاری را دنبال کنند و تطابق مفاهیم نهایی با داده‌ها را بررسی کند. نهایتاً، برای قسمت قابلیت تائید، از تکنیک بازاندیشی پژوهشگر<sup>60</sup> استفاده شد. در این تکنیک، خود پژوهشگر آگاهانه تأثیرات پیش‌فرض‌ها، سوابق شخصی، ارزش‌ها و نقطه‌نظرهای شخصی را بر فرایند پژوهش شناسایی و به صورت مستند ارائه می‌کند. طی این مطالعه، از آنجائی که خود پژوهشگران نیز سابقه فعالیت در زمینه ترجمه ادبی و آشنایی نزدیکی با فضای ترجمه در ایران داشتند، به منظور کاهش تأثیر پیش‌فرض‌ها بر تحلیل داده‌ها، یادداشت‌های بازاندیشانه‌ای در طول مراحل کدگذاری و تحلیل نوشته شد و تلاش شد تحلیل‌ها تا حد ممکن بر اساس داده‌ها و نه پیش‌فرض‌ها صورت گیرد.

با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال بررسی درونیات مترجمان بوده و تأکید ویژه‌ای بر واقعیت‌های زندگی مترجمان برجسته دارد، پژوهشگران از روش نظریه داده‌بنیاد<sup>61</sup> استفاده کردند و با استفاده از این روش، تلاش بر این بود که آنچه در زندگی شرکت‌کنندگان رخ داده، مفهوم‌سازی شود (گلسر و استراوس<sup>62</sup> 1967). نظریه داده بنیاد در تحقیقات کیفی برای توصیف و توضیح پدیده‌ای معین یا نحوه عملکرد آن استفاده می‌شود. این نظریه مستلزم بررسی داده‌های جمع‌آوری‌شده، درک مفاهیم و برچسب‌گذاری آن‌ها با کدهایی از جمله کدگذاری باز<sup>63</sup>، کدگذاری محوری<sup>64</sup> و کدگذاری انتخابی<sup>65</sup> است، سپس کدهای بدست‌آمده به مفاهیم متفاوت دسته‌بندی می‌شوند و در مرحله بعد، این مفاهیم به دسته‌های بزرگتر طبقه‌بندی می‌شوند. در حین بررسی داده‌های جمع‌آوری شده، پژوهشگر به تدریج به دیدگاه‌ها یا مفاهیمی که گمان می‌رود از داده‌ها نشات می‌گیرد، پی می‌برد و در مرحله بعد آنها را کدگذاری می‌کند. با جمع‌آوری و بررسی مجدد داده‌های بیشتر، کدها را می‌توان در مفاهیم سطح بالاتر و سپس دسته‌های بزرگتر طبقه‌بندی کرد. نهایتاً این طبقه‌بندی‌ها مبنای یک فرضیه یا یک نظریه جدید می‌شوند.

#### 4. یافته‌ها

<sup>53</sup> Lincoln and Guba

<sup>54</sup> Credibility

<sup>55</sup> Transferability

<sup>56</sup> Dependability

<sup>57</sup> Confirmability

<sup>58</sup> Peer-debriefing

<sup>59</sup> Thick description

<sup>60</sup> Reflexivity

<sup>61</sup> Grounded theory

<sup>62</sup> Glaser & Strauss

<sup>63</sup> Open coding

<sup>64</sup> Axial coding

<sup>65</sup> Selective coding

با اذعان به این مسئله که پژوهش حاضر تلاشی در راستای پی بردن به عادت‌واره‌های مترجمان برجسته ایرانی است و در تمامی مصاحبه‌ها، تلاش پژوهشگران بر عمیق‌شدن در زندگی جامعه مترجمان بوده است، از روش‌های کمی استفاده نشده و کوشش در عادات و منش زندگی مترجمان صرفاً با تکیه بر روش داده‌بنیاد انجام شده است. نهایتاً پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، سه موضوع کلی از تمامی داده‌های اولیه و ثانویه استخراج شد و برای هر کدام، زیرمجموعه‌هایی در نظر گرفته شد.

#### 4.1. فرهنگ‌ی بودن خانواده

یکی از مفاهیم اصلی بدست آمده از مصاحبه‌ها و همچنین داده‌های ثانویه، فرهنگی بودن خانواده یا وجود گرایش‌های عمیق فرهنگی در خانواده و افراد درجه یک مترجمان بود. نکته کلیدی که از اکثریت مصاحبه‌ها دریافت شد، تعلق داشتن مترجمان به طبقه فرهنگیان جامعه است. یعنی یا پدر و مادر مترجم یا خودشان از شاغلان وزارت آموزش و پرورش بوده‌اند که اگر چه شاید طی سالیان اخیر، این شاخص در جامعه ایران اهمیت خود را از دست داده باشد، اما در دهه‌های قبل و سال‌های جوانی اکثر مترجم‌های انتخاب شده، شاخص مهم و معناداری محسوب می‌شد.

##### 4.1.1. سطح سواد خانواده

پس از بررسی پیشینه خانوادگی این مترجم‌ها مشخص شد که تمام این مترجمان به‌جز دو مورد پدر و مادری باسواد داشته‌اند. تنها استثنا یکی از مترجمین است که به گفته خودشان با اینکه والدین سواد نداشتند اما به‌خاطر سختی‌هایی که پدر و مادر به‌دلیل بی‌سوادی کشیده بودند، تمام تلاششان بر این بوده که فرزندان‌شان باسواد شوند و دائم پیگیر تحصیلات فرزندان‌شان بوده‌اند. سطح سواد خانواده یکی از زیرمجموعه‌هایی است که در اکثر مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. برای مثال، در این باره مترجم شماره 15 از داده‌های ثانویه چنین اظهار داشته‌اند: «خانواده من از طبقه متوسط بود، البته متوسط باسواد، یعنی می‌توانستند علاوه بر شرایط تحصیلی مناسب در تهران تا حد زیادی رفاه و تفریحات ما را هم تأمین کند». اظهارات مترجم شماره 21 داده‌های ثانویه نیز در همین راستا حاکی از پررنگ بودن عنصر سواد و کتابخوانی در خانواده است: «مادر من دبیر بود و ادمی فرهنگی بود. پدر هم کارش فنی بود. ولی خب هر دو کتابخوان بودند». مترجم شماره 6 در اظهاراتی مشابه به زندگی کارمندی و کتابخوانی خانواده‌شان اشاره کردند: «پدر من کارمند دارایی بود و خانواده‌ای از طبقه متوسط بودیم. من در چنین خانواده‌ای بزرگ شدم. اما به نظرم آنچه خانواده ما را از آشنایان متمایز می‌کرد، تاکید پدر به داشتن اطلاعات و به‌روز بودن بود. پدر می‌خواست بچه‌ها از همه چیز سر در بیاورند. ورود به دانشگاه برایش بسیار بااهمیت بود که البته مادر هم از پدر تاثیر گرفته بود و سال‌های آخر دبیرستان هر کدام از ما بچه‌ها، محیط خانواده رنگ دیگری می‌گرفت. تلاش‌ها می‌شد که همه‌مان تحصیلات دانشگاهی داشته باشیم».

##### 4.1.2. مطالعه و انس با ادبیات فارسی

پیش‌فرض پژوهشگران در این مورد این بود که مترجمان برجسته ادبی علاقه ویژه‌ای به ادبیات فارسی داشته‌اند و مطالعات عمیقی در این زمینه انجام داده‌اند. همین امر موجب تقویت نثر فارسی آنها در ترجمه شده است. این پیش‌فرض یکی از بارزترین دست‌نهایی‌ها را در همان هنگام انجام مصاحبه‌ها به پژوهشگران نشان داد به گونه‌ای که همه دوازده مترجم مرتبط با داده‌های اولیه (12 از 12) به عامل علاقه به ادبیات و مطالعه اشاره کردند. برای مثال، مترجم شماره 8 در داده‌های اولیه در جایی از سخنان خود اظهار داشت که «کم‌وبیش بیشتر شاهکارهای ادب فارسی را تا آن زمان خوانده بودم یا در موردشان اطلاعات نسبتاً درست و درمانی داشتم. کتاب‌ها را یا از کتابخانه امانت می‌گرفتم یا با پول‌توجیبی‌هایی که جمع می‌کردم، کتاب‌هایی می‌خریدم». مترجم شماره 3 در داده‌های اولیه به تاثیر تاکید والدین بر مطالعه ادبیات به‌طور مستقیم اشاره کردند: «خانواده‌ام تاکید زیادی بر خواندن ادبیات کلاسیک فارسی داشتند و به همین خاطر، مطالعه ادبیات کلاسیک فارسی را خیلی زود شروع کردم. یاد می‌آید بوستان سعدی را در دوره دبستان خواندم. اصلاً خیلی از کتاب‌های کلاسیک ادب فارسی را در همان سال‌های دبستان خواندم تا جایی که الان فکر می‌کنم برای خواندن آن کتاب‌ها آن سن زیادی زود بود. بعدها در مورد بچه‌های خودم سعی کردم این کار را انجام دهم. آخر بچه دبستانی را چه به ادبیات کلاسیک!». اظهارات مترجم شماره 5 در حین مصاحبه‌ها نیز صراحتاً به عشق به زبان فارسی اشاره دارد: «من متأسفانه دیر به آموختن زبان پرداختم. یعنی بعد از پایان خدمت نظام. یک سالی هم برای همین کار به انگلستان رفتم که خیلی مؤثر بود. دلیل این تاخیر هم فکر می‌کنم عشق من به فارسی بود یعنی مطالعه به زبان فارسی وقت زیادی برابم نمی‌گذاشت». همین مترجم در یکی

از مصاحبه‌های مربوط به داده‌های ثانویه (مترجم شماره 16) به آشنائی با شعر فارسی اشاره کرده است: «من خواندن را با شعر کلاسیک خودمان شروع کردم و هنوز هم دارم می‌خوانم. با نثر قدیم دیرتر آشنا شدم اما در مورد شعر می‌توانم بگویم تا سن بیست سالگی تمام شاعران نامدار و حتی درجه دو را خوانده بودم. اصلاً زندگی من با شعر آمیخته بود علاوه بر شعر کلاسیک شعر مشروطه را هم خوانده بودم».

#### 4.2. رویکرد اعتراضی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی

یکی دیگر از مفاهیم بدست آمده از داده‌های اولیه و ثانویه و مخصوصاً کتاب‌های بررسی شده، میل به اعتراض و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی در مترجمان بود. برای مثال، در یکی از مصاحبه‌ها مترجم شماره 12 چنین اظهارنظری داشت: «من یک شخصیت ناراضی راضی هستم. یعنی از هیچی در جهان راضی نیستم. به همه چیز اعتراض می‌کنم. حتی چرا اینجا به دنیا آمده‌ام، چرا خانواده‌ام اینطور هستند، چرا خودم اینم، مدت‌ها مسئله‌ام این بود که چرا دخترم، چرا اسمم اینه. چرا رفتم رشته ریاضی، چرا فلان جا، فلان کار را نکردم.» و همین طور، اظهارات مترجم شماره 3 به همین موضوع مرتبط است: «تسلیم بودن زیاده از حد مادرم و استبداد پدرم، مرا بسیار رنج می‌داد. به خصوص در دوران بلوغ که حساس‌تر از همیشه بودم، حسابی پوستم را کند! مادرم بدجوری تسلیم نظریات پدرم بود. جیکش در نمی‌آمد و این مرا بسیار آزار می‌داد. زیادی فداکار بود. حقی برای خودش قائل نبود. اول پدر، بعد ما بچه‌ها. نمی‌دانم. همیشه از خودم می‌پرسیدم چرا؟ این را دوست نداشتم. مبارزه با استبداد از همان محیط خانوادگی در وجودم ریشه کرده بود». در همین راستا، این مترجمان نظرات اعتراضی‌شان را با حمایت همه‌جانبه از توزیع برابر قدرت و ثروت در جامعه نشان می‌دادند. در اکثر مصاحبه‌ها نیز هنگامی که از ایشان خواسته می‌شد که دنیای آرمانی‌شان را توصیف کنند، از جهانی با عدالت اجتماعی و اقتصادی سخن می‌گفتند. ایشان اغلب بر تقابل با سلسه‌مراتب اقتصادی تاکید می‌کردند و با رویکردهای اصلاح‌طلبانه مواضع سرمایه‌داری ستیزی را به‌طور برجسته رد می‌کردند. تمامی این ایده‌ها را پژوهشگران به دو دسته عدالت‌خواهی و ایده‌های مارکسیستی تقسیم بندی کردند. از ابتدا حدس مترجمان این بود که چون اکثر مترجمانی که با آنها مصاحبه انجام می‌گرفت، در دهه 1330 و 1340 در ایران مشغول به کار بوده‌اند و احتمالاً تحت تاثیر گرایش‌های فکری آن زمان قرار گرفته‌اند، به مبارزه با ظلم و تاکید بر برابری اشاره خواهند کرد.

## Pre-print Version

#### 4.2.1. عدالت‌خواهی

یکی از مفاهیم اصلی بدست آمده در تحقیق حاضر، گرایش‌های شدید به مسئله عدالت و برابری در شرکت‌کنندگان بود. منظور پژوهشگران از عدالت‌محوری به طور عام، تمام موضوعی را شامل می‌شد که افراد خواهان ایجاد برابری در توزیع قدرت و ثروت بودند. میل به تساوی حقوق و رنج بردن از شکاف‌های طبقاتی در دیدگاه اکثریت مشارکت‌کنندگان مشاهده شد. اغلب آنها در آرزوی جامعه‌ای عاری از فساد و تبهکاری با رژیم سلطنتی مبارزه کرده بودند و خواستار ایجاد تحول به نفع عموم مردم بودند. از مصادیق آنها می‌توان به اظهارات شرکت‌کننده شماره 4 در داده‌های اولیه اشاره کرد: «شاگردان مغازه پدرم به ما می‌گفتند ارباب پسر (خنده). من با همان سن و سال کم هم از این فاصله که بین من و آنها ایجاد شده بود بدم می‌آمد. رابطه‌ام با آنها بسیار دوستانه بود». همین مترجم، در جای دیگری از سخنان خود چنین اظهار نظری داشته: «الان که به گذشته نگاه می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که حرکات دین‌گشوت‌وارانه داشته‌ام. یعنی خوشبینی بیش از حد، که میشود سلطنت را برانداخت و طرحی نو درانداخت. ولی حالا می‌بینم که اصولاً بازیهای سیاسی با روحیه من سازگاری ندارد». بخشی از صحبت‌های مترجم شماره 16 در کتاب مورد بررسی نیز در این رابطه جالب به نظر می‌رسد: «از تصویرهایی که به یادمانده، دهاتی‌هایی بودند که ناهار را در مغازه‌های اطراف می‌خورند. آن هم با برف و سکنجبین یا یخ و سکنجبین که گاهی با شربت آلبالو قاطی می‌شد این تصاویر همراه با حرف‌هایی که می‌زدند، کم‌کم مرا به تفکر وامی‌داشت. از خودم می‌پرسیدم که چرا وضع این طور است؟ چرا یک عده ندارند و یک عده دارند؟ می‌دیدم که در همان شهر کوچک، بعضی‌ها در خانه‌های اعیانی بزرگ زندگی می‌کنند و زندگانی آنچنانی دارند و در مقابل عده‌ای به قول معروف دستشان به دهنشان نمی‌رسد. خب، همه اینها در ذهنم تاثیر می‌گذشت و به اصطلاح یک علامت سوال بزرگ توی ذهنم شکل می‌داد. بعد کم‌کم به دنبال مسبب گشتم. زندگی مرفه زمین‌داران و ارباب‌ها هم بیشتر مرا با کم و کیف قضیه آشنا کرد».

#### 4.2.2. افکار مارکسیستی

در سخنان مترجمان، تاکید ویژه‌ای بر انترناسیونالیسم و مبارزه با سودجویی سرمایه‌داری مشاهده شد. اکثر مترجمانی که در مصاحبه شرکت کردند یا مصاحبه‌های قبلی‌شان در طی مراحل کنگذاری مورد بررسی قرار گرفت، فعالیت‌هایشان پس از روی کار آمدن پهلوی دوم و باز شدن نسبی فضای سیاسی اجتماعی حاکم بر میدان تولید آثار ادبی و نفوذ حذب توده و افکار مارکسیستی و رئالیسم روسی شکل گرفته بود. در طی مصاحبه‌ها، همان‌گونه که پیشتر هم اشاره شد، مترجمان به آرمان جامعه بدون طبقه و فضایل جامعه یک‌دست اشاره می‌کردند. اظهارات مترجم شماره 7 مستقیماً به نفوذ افکار مارکسیستی اشاره دارد: «بیشترین توجه‌ام که ریشه در زمان کودکی هم دارد، مسئله عدالت اجتماعی بود، یا آنطور که الان نگاه می‌کنم، جنبه سوسیالیستی قضیه برایم جذابیت داشت. این بود که جزوات مارکسیستی و رمانهایی مثل *دانشکده‌های من* یا *مادر* از گورکی یا *چگونه فولاد آبدیده شد* از نیکلاس آستروفسکی و غیره را می‌خواندم. طبقه کارگر و اساس مارکسیسم یعنی دیکتاتوری پرولتارا برایم مقدس شده بودند. فکر می‌کردم اگر کتابی که ترجمه می‌کنم در این راستا نباشد، به جامعه ظلم کرده‌ام.» به همین ترتیب، مترجم شماره 4 در جایی از سخنانشان از انگیزه‌شان برای ترجمه یکی از رمان‌ها این‌گونه گفته‌اند: «در مورد کتاب *زندگی، جنگ و دیگر هیچ*، در یک مجله فرانسوی نقدی بر این کتاب که تازه در فرانسه درآمده بود، خواندم و چون حرفه خبرنگاری را دوست داشتم و ضد سیاست آمریکا هم بودم که البته هنوز هم هستم و با مردم ویتنام هم یک احساس همدلی می‌کردم، کتاب را خریدم و بلافاصله ترجمه کردم.»

### 4.3. سیر در گذشته

یکی دیگر از موضوعاتی که در مصاحبه‌ها و همچنین داده‌های ثانویه به دفعات تکرار می‌شد و در ششمین مصاحبه به اشباع رسید، نگاه مترجمان به گذشته، ستایش زمان‌های دور و حسرت روزهای از دست رفته بود. این موضوع به دو مقوله نوستالژیک بودن و سنتی بودن تقسیم‌بندی شد.

#### 4.3.1. نوستالژیک بودن

تقریباً در خلال تمامی مصاحبه‌ها، مترجم‌ها به الهام از گذشته اشاره می‌کردند. در مواردی وقتی از قدیم‌ها می‌گفتند، بسیار احساساتی می‌شدند برای مثال مترجم شماره 7 در پاسخ به این سؤال که معمولاً چه اتفاقی باعث حال خوب‌شان می‌شود، چنین پاسخی دادند: «همین مصاحبه‌ای که شما با من انجام دادید و من را برگرداندید به دوران کودکی‌ام خیلی خوشحال‌کننده بود. لذتی که از یادآوری آن دوران می‌برم را هیچ لذت امروزی‌ای برایم نمی‌آورد. بی‌تعارف می‌گویم. چیزهای مادی من را خوشحال نمی‌کند. چرا. در حد خیلی نرمالی. اما آن شادی‌های عمیقی که مدنظر شماست، چیزهایی است که اصلاً مادی نیست. مال این دوران هم نیست. سال‌های کودکی، سال‌های جوانی. زندگی مال آن دوران بود.» به همین ترتیب، اظهارات مترجم شماره 5 از جزئیاتی که از خانه پدری به یادش مانده و با لذت بسیار از آن سال‌ها سخن می‌گوید، نشان از عرق به گذشته و سیر در سال‌های دور داشت: «سالهاست خانه پدری فروخته شده و من دیگر داخلش را ندیده‌ام. از حسرت‌هایم این است که یک بار دیگر آنجا را ببینم. این خانه در حدود چهارصد متر وسعت داشت. بخشی از آن قدیمی بود و بیشتر مصالحش از چوب نژاد روسی قدیمی که سالها بعد رنگ شده بود. چه لذت‌ها که اکنون محروم شده‌ایم.» در همین رابطه، مترجم شماره 1 اظهار می‌کند «خودم را در زمره انسان‌های قویاً نوستالژیک قرار می‌دهم. نمی‌دانید چه حالی می‌شوم وقتی به محله قدیمی‌مان می‌روم. شکل و شمایل عوض شده. آشپزخانه‌ای که رو به کوچه بود و پر بود از عطر و بوی مادر، الان اتاق شده. این‌ها را می‌گویم چون به آن خانه سر می‌زنم. درد دارد و شیرین هم هست؛ دقیقاً مثل همان چوب کبریت که وقتی دندان‌ت سوراخ است، هم درد دارد و هم لذت. گذشته‌ها عالم را خوب می‌کند.» مترجم شماره 4 نیز در حالی که بسیار احساساتی شده بودند، به خاطره‌ای از ترجمه یکی از کتاب‌ها اشاره کردند: «یادم می‌آید به هنگام ترجمه کتاب *زندگی در پیش رو* چقدر احساساتی می‌شدم. اما یک صحنه در کتاب هست که موقع ترجمه اشکم را درآورد، موقع پاک‌نویس اشکم را درآورد و موقع خواندن دوباره... خیلی عجیب است. آن بخشی که پسر روبه‌روی دستگاه مونتاز فیلم نشسته و فیلم به عقب برمی‌گردد و پسر هم به یاد زندگی گذشته‌اش می‌افتد... درست مثل همین روزهایی که شماها می‌آنید با من حرف می‌زنید. خیلی روی من فشار می‌آورد. حرف زدن از گذشته‌ها با آن که برایم سرتاسر لذت است باز یک جور فشار روحی است.»

#### 4.3.2. سنتی بودن

یکی دیگر از مفاهیم بدست آمده از مصاحبه‌های انجام گرفته، تاکید مترجمان بر سنت و بیگانگی با مظاهر مدرنیته بود. مفاهیمی چون لذت بردن از قدم‌زدن در محله‌های قدیمی شهر، علاقه به موسیقی سنتی، علاقه به مطالعه تاریخ، مقاومت در

برابر یک‌شکل شدن افراد/ مسائل، پندهای گذشتگان را بسیار مثرتر تلقی کردن پاره‌ای از مسائلی بود که مترجمان به آنها اشاره می‌کردند. مترجم شماره 10 با آنکه نسبتاً جزء مترجمان جوان مصاحبه‌ها به‌شمار می‌رود، در جایی از سخنان خود چنین اظهارنظری داشتند: «واقعا دوست دارم همان قدیمی‌ها را داشته باشم. من خیلی در برابر چیزهای جدید واکنش دارم. به شدت کلاسیک هستم. همان چیزهایی که بهش عادت کردم. در موسیقی، در غذا، در لباس. همه‌چی حتی در انتخاب اثر برای ترجمه. خیلی سخته برآیم. ترجیح می‌دهم در همان ژانرهای آشنا بمانم. این مسئله حتی در ادبیات صرفاً برای مطالعه هم صدق می‌کند». مترجم شماره 4 در تأیید بیگانگی با تکنولوژی گفتند: «شاید برایمان جالب باشد که من هنوز هم از شیوه قلم و کاغذ دفتر استفاده می‌کنم. برای هر ترجمه‌ام حدود 20،30 مداد تراشیده می‌شود و 3،4 دفتر سیاه می‌شوند. به شخصه ظلم‌ها کرده‌ام به جنگل‌هایمان. تا بخواید با تکنولوژی غریبه هستم. قبلاً دخترم آموزش داد که نوشته‌هایم را روی کامپیوتر بیاورم اما حس‌وحال قلم و دفتر چیزیست که در روح تنیده. به دختر و پسرهایم می‌گویم شما که نمی‌دانید چه لذتی در این فشار قلم بر روی کاغذهای دفترهایم هست. این سال‌ها دیگر امیدشان را از دست داده‌اند و کسی در خانه کاری به کار این متحجر بودن ما ندارد (لبخند)».

## 5. نتیجه‌گیری

یکی از کاستی‌های جامعه مترجمان ادبی ایران در حال حاضر مساله ضعف مترجمان و به طور بخصوص مترجمان جوان در زمینه فارسی‌نویسی است. اغلب فارغ‌التحصیلان رشته ترجمه تصور می‌کنند چون فارغ‌التحصیل این رشته هستند می‌توانند هر اثر ادبی را ترجمه کنند (خزاعی‌فر 1395). البته، طی سالیان اخیر این مقوله حتی به افرادی که در رشته ترجمه هم تحصیل نکرده‌اند، تسری پیدا کرده است. صورت مساله از نظر ایشان بسیار ساده است. تسلط نسبی‌ای به زبان مبدا دارند و قرار است به زبان مادری یا رسمی کشورشان ترجمه کنند. پس به نظر نمی‌آید مانعی بر سر کارشان وجود داشته باشد. نکته‌ای که از دید این افراد پوشیده مانده این است که عامل رشد در محیط فارسی زبان، تنها یکی از عوامل موثر در توانایی نگارش هر فرد است. اتفاقاً، شاید بتوان گفت مهمترین عامل در این زمینه، میزان مطالعه فرد در ادبیات زبان مقصد است (کوثری 1395). از دیرباز، مطالعه توأمان ادبیات کلاسیک و ادبیات معاصر از عناصر بسیار مهم در رشد توانایی نگارش افراد قلمداد شده است (شادمان، خوش‌سلیقه و پیشقدم 2019). مترجمان ما هنگام مواجهه با یک متن کلاسیک خارجی، به واسطه مطالعه متون کهن ادبیات فارسی، می‌توانند واژگانی را برگزینند و سبک و سیاقی را انتخاب کنند که تا حد امکان معادل اثر ادبی خارجی باشد نه اینکه مناسبانه‌مانند بسیاری از ترجمه‌های امروزی باشد که رنگ و بو و سبک متون ادبی در آنها به چشم نمی‌خورد و بیشتر به مانند نثر روزنامه‌ها و مطبوعات به نگارش فرآمده‌اند (خزاعی‌فر 1392). پژوهش حاضر با تکیه بر روش داده بنیاد و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته در پی یافتن عادت‌واره جامعه مترجمان ادبی ایران بود. حدس پژوهشگران این بود که با در نظر گرفتن بیشتر مصاحبه‌های تحلیل‌شده، می‌توان توصیف گسترده‌تری از سبک زندگی، ترجیحات و عادات مترجمان داد و در مرحله بعد، این عادات می‌توانند شامل یکی از متغیرهای بی‌شماری باشند که فرد را به سمت ترجمه ادبی سوق دهند. نهایتاً، عادت‌واره این گروه از مترجمان در سه مفهوم دسته‌بندی شد که هر کدام از دسته‌بندی‌ها شامل چند مفهوم بودند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در آموزش ترجمه ادبی مثرتر واقع شود. اساتید ترجمه ادبی می‌توانند با به‌کارگیری روش‌های تدریس خاص- برای مثال، تأکید بر مطالعه متون کلاسیک ادبیات فارسی- راه‌هایی برای تقویت چنین عادت‌هایی در دانشجویان بنا کنند. استدلال پژوهشگران در این زمینه این است که هرچقدر سبک زندگی و عادات دانشجویان به عادات مترجمان برجسته ادبی نزدیکتر باشد، احتمال موفقیتشان در زمینه ترجمه ادبی نیز بالاتر می‌رود. این پژوهش می‌تواند در سایر زمینه‌های آموزشی نیز مفید واقع شود. در نظام آموزشی کشور ما، اکثر اوقات دانشجویان بدون داشتن اطلاعاتی در مورد گرایش‌های مختلف زبان انگلیسی، رشته مورد نظر را انتخاب می‌کنند و اغلب بین گرایش‌های مختلف زبان انگلیسی تفاوتی قائل نمی‌شوند. بر همین اساس، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند در انتخاب مسیر دانشگاهی به دانشجویان نیز کمک کند. از دیگر کارکردهای مهم این پژوهش، مستندسازی و تحلیل بخشی از تاریخ شفاهی ترجمه ادبی در ایران است؛ داده‌هایی که حاصل مصاحبه‌های عمیق با مترجمان برجسته کشور هستند و تا کنون در پژوهش‌های ترجمه‌محور کمتر به شکل نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. مجموعه این مصاحبه‌ها می‌تواند به عنوان منبعی ارزشمند برای پژوهش‌های بینارشته‌ای در حوزه‌های مطالعات ترجمه، مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی، ادبیات و تاریخ‌نگاری ادبیات معاصر فارسی مورد استفاده قرار گیرد. به ویژه، این پژوهش با شناسایی الگوهای ذهنی و عادت‌واره‌های مترجمان، به فهم دقیق‌تری از کنش ترجمه در بافت اجتماعی ایران کمک می‌کند و امکان تحلیل تحولات گفتگویی در فضای فرهنگی و ادبی ایران معاصر را فراهم می‌آورد. بنابراین، فراتر از ثبت روایت‌های فردی، این تحقیق به خلق یک سند فرهنگی-تحلیلی از نقش ترجمه در شکل‌دهی به هویت ادبیات معاصر فارسی کمک می‌کند. از دیدگاه نظری نیز این مطالعه می‌تواند به توسعه و غنی‌سازی نظریه عادت‌واره در حوزه ترجمه کمک کند. با شناسایی سه مفهوم کلی بدست آمده در این پژوهش، پژوهشگران می‌توانند چارچوب‌های نظری جدیدی برای تحلیل

عادت‌واره‌های مترجمان ایجاد کنند که به درک بهتر رفتارها و انتخاب‌های آنان در فرآیند ترجمه منجر شود. همچنین، با توجه به تاثیر فرهنگ بر عادت‌واره‌های مترجمان، این مطالعه می‌تواند زمینه‌ای برای تحقیقات بیشتر در مورد نقش فرهنگ و زمینه اجتماعی در شکل‌دهی هویت حرفه‌ای مترجمان بپردازد و در همین راستا، زمینه‌ای برای تحقیقات بیشتر درباره تاثیرات فرهنگی بر ترجمه فراهم کند.

از محدودیت‌های این پژوهش که احتمالاً بر نتایج و تحلیل‌های پژوهشگران اثرگذار بوده، می‌توان به تعداد نسبتاً کم شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌های اولیه پرداخت. البته هماهنگی ارتباط با همین تعداد از مترجمان هم یکی از طاقت‌فرساترین مراحل پژوهش بود. از آنجایی که جامعه مورد مطالعه از مترجمان برجسته کشور بودند، دسترسی به ایشان به سختی انجام می‌گرفت. از طرفی دیگر، ممکن است این تعداد مترجم نماینده کاملی از جامعه بزرگتر مترجمان ادبی ایران نباشد. همچنین، وابستگی به منابع ثانویه مانند مصاحبه‌های چاپ‌شده و کتاب‌ها می‌تواند به محدودیت در تنوع دیدگاه‌ها منجر شود، زیرا این منابع ممکن است نظرات خاصی را منعکس کنند. علاوه بر این، استفاده از نظریه دادمبنیاد برای کدگذاری داده‌های کیفی نیازمند تفسیرهای شخصی پژوهشگران بود که خود می‌تواند به سوگیری در تحلیل‌ها منجر شود. با توجه به محدودیت‌های این پژوهش، از جمله تعداد کم مصاحبه‌شوندگان اولیه، توصیه می‌شود پژوهش‌های آتی با حجم نمونه بزرگتر و متنوع‌تری از مترجمان، به‌ویژه مترجمان جوان‌تر یا مترجمان غیر ادبی، انجام شود تا امکان تعمیم‌پذیری یافته‌ها افزایش یابد. همچنین بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی و مشارکت‌دادن خود مشارکت‌کنندگان در بازبینی نتایج اولیه، می‌تواند از میزان سوگیری در تحلیل‌های دادمبنیاد بکاهد. در نهایت، پژوهش‌های آتی می‌توانند با تمرکز بر تحلیل انتقادی محتوای مصاحبه‌های منتشر شده و مقایسه آن‌ها با داده‌های میدانی، میزان همپوشانی و تفاوت‌های گفتارهای مترجمان را در بسترهای مختلف بررسی کنند و تصویری چندلایه‌تر از عادت‌واره‌های ترجمه در ایران معاصر ارائه دهند.

## Habitus of Prominent Iranian Literary Translators: An Exploratory Study

Nazanin Shadman, Assistant professor of Translation Studies, Department of English,  
University of Maragheh, Iran

Masood Khoshaligheh, Professor of Translation Studies, Department of English Language and  
Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

### Abstract

**Introduction:** *The present study aims to identify and analyze the habitus of prominent Iranian literary translators, a concept derived from Pierre Bourdieu's sociological theory that refers to a set of internalized tendencies, dispositions, and structures that unconsciously guide the actions of social agents. In this regard, this research focuses on the cultural and social aspects of Iranian literary translators to identify and analyze the behavioral and thinking patterns that guide their translation choices and style. While addressing the human and social dimensions of translation, this study attempts to achieve a multi-layered understanding of literary translation in contemporary Iran by moving away from a purely linguistic perspective.*

**Background of the Study:** *In previous decades, scholars have been reviewing translator-centered studies, especially within the framework of the sociology of translation, where the position of the translator as a social activist who operates within the context of culture, ideology, and lived experience is explained. Citing Andrew Chesterman's perspective on "translator studies" and the application of habitus theory in studies such as Simeoni (1998) and Millaerts (2008), the importance of examining the deep-rooted attitudes and beliefs of translators in shaping translation decisions is highlighted in the present research. In the Iranian research*

environment, this study is considered one of the pioneering studies, with a large volume of primary and secondary data, that attempts to present a comprehensive picture of the social patterns of prominent translators.

**Methodology:** *The study uses a qualitative approach based on grounded theory. Primary data was collected through semi-structured interviews with 12 prominent literary translators between 2017 and 2018. Secondary data also included 30 published interviews with 23 translators, and four books containing memoirs and published conversations with translators. Using open, axial, and selective coding, the concepts in the data were analyzed and categorized. In this process, qualitative validation criteria such as peer review, rich description, and reflectivity were used to ensure the validity, reliability, and transferability of the findings.*

**Discussion:** *The results of the study indicate that the habits of Iranian literary translators can be classified into three main categories: (1) “family culture” which includes a high level of literacy, and familiarity with Persian literature; (2) “protest and justice-seeking approach” which is associated with being influenced by leftist ideas and a tendency to fight social injustice; and (3) “traveling into the past” which refers to nostalgia and traditionalism. These three axes were simultaneously repeated in many participants and seem to have played a fundamental role in the formation of the select group of translators’ habitus.*

**Conclusion:** *One of the most important outcomes of this research is the presentation of a conceptual model for understanding the habits of literary translators in Iran, which can be very effective in the field of literary translation education, designing university courses, and training professional translators. The findings of this research show that success in literary translation does not depend only on linguistic skill, but also on the translator’s lifeworld, intellectual inclinations, and cultural background. In this regard, it is suggested that educational programs in the field of translation pay more attention to cultivating students’ literary taste, historical understanding, and social awareness. In addition, by documenting the memories and lived narratives of translators, this study contributes to recording part of the oral history of literary translation in Iran and can provide a suitable platform for future interdisciplinary research.*

## References

- Ashrafi, Nasrin. 2024. Resilient voices in translation: relational sociology and women-led publishing in Iran. *Feminist Translation Studies* 1(1): 33-55.
- Bourdieu, Pierre. 1990. *In other words: Essays toward a reflexive sociology*. California: Stanford University Press.
- Bourdieu, Pierre. 1993. *Sociology in question*. Vol. 18. London: Sage.
- Bourdieu, Pierre. 1996. *The rules of art: Genesis and structure of the literary field*. California: Stanford University Press.
- Bourdieu, Pierre. 2005. *The social structures of the economy*. Cambridge: Polity.



Cadera, Susanne M., and Andrew Samuel Walsh. 2022. *Retranslation and reception: Studies in a European context*. Vol. 49. Leiden: Brill.

Casanova, Pascale, and Siobhan Brownlie. 2021. Consecration and accumulation of literary capital: Translation as unequal exchange. In *The translation studies reader*, 407-423. London: Routledge.

Chesterman, Andrew. 2009. The name and nature of translator studies. *Hermes* 42(2): 13-22.

Chesterman, Andrew. 2021. Translator studies. In *Handbook of Translation Studies*, 241-246. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.

Costa, Cristina, and Mark Murphy. 2015. Bourdieu and the application of habitus across the social sciences. In *Bourdieu, habitus and social research: The art of application*, 3-17. London: Palgrave Macmillan.

Courtney, Jennifer, and Mary Phelan. 2019. Translators' experiences of occupational stress and job satisfaction. *Translation & Interpreting: The International Journal of Translation and Interpreting Research* 11(1): 100-113.

Dmitrienko, Gleb. 2024. Macrosociology of translation. In *The Routledge Handbook of Translation and Sociology*, 100-117. London: Routledge.

Dornyei, Zoltan. 2007. *Research methods in applied linguistics*. Oxford: Oxford university press.

Erıs, Emrah. 2019. Habitus and translators: Orhan Pamuk's my name is red. *Çeviribilim ve Uygulamaları Dergisi*, 27: 132-151.

Fakharzadeh, Mehrnough, Ahmad Dabaghzadeh Dezfouli, 2021. The manifestation of translator's habitus in translation style: Case study of Saleh Hosseini's style. *Language and Translation Studies*, 19(38): 65-97.

Ferdowsi, Sima, and Saeed Ameri. 2024. Translators' Motivations for Title Selection in Iran: A Quantitative Study of the Role of Contextual and Professional Factors. *Applied Linguistics Inquiry* 2(2): 148-160.

Frère, Burno. 2011. Bourdieu's sociological fiction. In *The legacy of Pierre Bourdieu: A late classic*, 247-269. London: Anthem Press.

Flynn, Peter. 2004. Skopos theory: An ethnographic enquiry. *Perspectives* 12(4): 270-285.

Fylan, Fiona. Semi-structured interviewing. 2005. In *a handbook of research methods for clinical and health psychology*, 65-78. Oxford: Oxford university press.

Glaser, Barney, and Anselm Strauss. 2017. *Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. New York: Routledge.

Gouanvic, Jean-Marc. 2005. A Bourdieusian theory of translation, or the coincidence of practical instances: Field, 'habitus', capital and 'illusio'. *The Translator* 11(2): 147-166.

- Haddadian-Moghaddam, Esmaeil. 2014. *Literary translation in modern Iran*. New York: Routledge.
- Hermans, Theo. 2014. *The manipulation of literature (routledge revivals): Studies in Literary Translation*. New York. Routledge.
- Inghilleri, Moira. 2003. Habitus, field and discourse: Interpreting as a socially situated activity. *Target. International Journal of Translation Studies* 15(2): 243-268.
- Jamalimanesh, Alireza, Zahra Amirian, and Dariush Nejad Ansari. 2024. Women's voices in literary translation: a Bourdieusian look at symbolic capital in post-revolution Iran. *Asia Pacific Translation and Intercultural Studies*. 11(3): 209-235.
- Kaindl, Klaus, Waltraud Kolb, and Daniela Schlager, eds. 2021. *Literary Translator Studies*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Kaindl, Klaus, and Mikael Evdokimov. Translator studies and translators as social actors. In *The Routledge handbook of translation and sociology*, 147-162. New York/ London: Routledge.
- Khazaeifar, Ali, Moslem Fathollahi. 2010. Effect of Translation of Modern English Novels on the Norms of the sentence length in Persian novels (case study of classical and modern novels), *Language and Translation Studies*, 42(3): 37-58.
- Khazaeifar, Ali. 2013. *A textbook of literary translation*, Tehran: Samt.
- Khazaeifar, Ali. 2016. A New Method in translation: No thought, trouble, or creativity. *Motarjem*, 24(58): 3-11.
- Kowsari, Abdollah. 1991. Interview with Abdollah Kowsari about Aura and Conversation in the Cathedral. *Motarjem*, 1(2):14-28.
- Lincoln, Yvonna S., and Egon G., Guba. 1985. *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Maazallahi, Parvaneh, Gholamreza Tajvidi. 2018. A Sociological investigation of literary productions between 1320 and 1345 with special attention to novel translation. *Journal of Kavoshnameh in Persian Language and Literature* 19(38): 65-97.
- Meylaerts, Reine. 2008. Translators and (their) norms: Towards a sociological construction of the individual." In *Beyond descriptive translation studies: Investigations in homage to Gideon Toury*, 91-102. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Monzó-Nebot, Esther. 2021. A case study of unquiet translators: Relating legal translators' subservient and subversive habitus to socialization. *Target. International Journal of Translation Studies* 33(2): 282-307.
- Sela-Sheffy, Rakefet. 2005. How to be a (recognized) translator: Rethinking habitus, norms, and the field of translation. *Target. International Journal of Translation Studies* 17(1): 1-26.

Shadman, Nazanin, Masood Khoshsaligheh, and Reza Pishghadam. 2019. Iranian literary translators' emotional intelligence: Description of facets. *SKASE Journal of Translation and Interpretation* 12(1): 29-47.

Shadman, Nazanin, Masood Khoshsaligheh, and Patrizia Steca. 2022. Personality Description of Iranian Pre-eminent Literary Translators: Didactic Implications. *Teaching English Language* 16(2): 315-340.

Simeoni, Daniel. 1998. The pivotal status of the translator's habitus. *Target. International Journal of Translation Studies* 10(1): 1-39.

Susen, Simon, and Bryan S. Turner, eds. 2011. *The legacy of Pierre Bourdieu: critical essays*. London: Anthem Press.

Tan, Cheng Yong, and Dian Liu. 2022. Typology of habitus in education: Findings from a review of qualitative studies. *Social Psychology of Education* 25(6): 1411-1435.

Tymoczko, Maria. 2014. Why literary translation is a good model for translation theory and practice. In *Literary translation: Redrawing the boundaries*, 11-31. London: Palgrave Macmillan.

Vassallo, Helen. 2022. *Towards a feminist translator studies: Intersectional activism in translation and publishing*. London: Routledge.

Voinova, Tanya, and Miriam Shlesinger. 2013. Translators talk about themselves, their work and their profession: The habitus of translators of Russian literature into Hebrew. *TTR* 26(2): 29-57.

Weissbort, Daniel, and Ástráður Eysteinnsson. 2006. *Translation: theory and practice: a historical reader*. Oxford: Oxford University Press.

Wolf, Michaela. 2012. Sociology of translation. In *Handbook of Translation Studies*, 337-343. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.